

پاتوق فکر



بچه‌های مدرسه نورا در منطقه ۵ تهران هر زمانی که دغدغه‌ای داشته باشند یا سؤالی ذهنشان را مشغول کرده باشد، با هم در کافه کتاب مدرسه‌شان جمع می‌شوند و بحث می‌کنند. آن قدر که بالاخره به نتیجه و جواب سؤال‌هایشان برسند. البته قرار است این حرف‌ها در حد حرف باقی نمانند و به عمل مثبتی بینجامند. شاید به همین دلیل هم صاحبان کافه نوشته‌ای از شهید آوینی را به عنوان شعارشان بر سر در کافه نصب کرده‌اند: «یاران پای در راه نهیم که این راه رفتنی است و نه گفتنی.»



بودن فکرهايمان را مشخص كنيم. مثلاً روابط انسانی و دوستی‌ها چیزهایی هستند که مدتی است ذهن مرا درگیر کرده‌اند. در پاتوق با بچه‌ها در این مورد خیلی حرف می‌زنم.

البته در اینجا قرار نیست هر کس هر سؤالی داشته باشد جواب آن را از دیگران بپرسد.

ساغر: قدم اول در رسیدن به جواب سؤال‌هایمان این است که درباره پرسشمان مطالعه و جست‌وجو کنیم. بعد، اگر خواستیم جوابمان را کامل یا با بقیه مشورت کنیم، سؤال را در کافه مطرح می‌کنیم. مثلاً موضوع حقوق زنان و دختران یکی از موضوعاتی بود که خیلی ذهن مرا مشغول کرده بود. بعد از اینکه درباره این موضوع کتاب خواندم و با بچه‌ها بحث کردم، به جواب رسیدم. کافه کتاب جایی است که همه به حرف‌هایت گوش می‌کنند، به راحتی می‌توانی نظرت

فرهنگی هم صحبت کنیم. اسم پاتوق را هم براساس فرهنگ ایرانی انتخاب کردیم. چرا که از قدیم معمولاً هر صنفی برای خودش پاتوقی داشت. اینجا هم پاتوق صنف دانش‌آموزان مدرسه است! او می‌گوید: «یکی از رنگ‌های ما زنگ باشگاه اندیشه است که معمولاً به بحث‌های هدفدار می‌گذرد. بعد از ایجاد کافه تصمیم گرفتیم این کلاس را در پاتوق برگزار کنیم. علاوه بر این، هر زمان هر کدام از بچه‌ها احساس کنند حرفی برای گفتن یا سؤالی دارند، با دوستانشان به کافه می‌آیند و درباره آن صحبت می‌کنند.»

چه صحبت‌هایی؟

مهلا: در مورد هر چیزی که ذهنمان را درگیر کرده باشد با هم بحث می‌کنیم. این موضوع می‌تواند درباره یک کتاب هم باشد. اینجا فرصتی است تا درباره موضوعات مختلف حرف بزنیم و درستی و نادرست

وقتی به کافه کتاب مدرسه قدم می‌گذاری، فکر می‌کنی وارد یکی از همان کافه کتاب‌هایی شده‌ای که در گوشه گوشه شهرها هستند: چند میز و صندلی، منویی که شما را به نوشیدن انواع دم نوش‌ها دعوت می‌کند، بوی عود و البته عکس‌هایی از نویسندگان ایرانی و خارجی. اما دانش‌آموزان اصرار دارند که اینجا فقط کافه کتاب نیست و پاتوق اندیشه هم هست؛ پاتوقی برای صنف محترم دانش‌آموزان دوره اول متوسطه، برای اینکه بتوانند دغدغه‌ها و سؤال‌هایشان را به اشتراک بگذارند.

خانم کریمی که هم مسئول کتابخانه و هم مسئول کافه کتاب است، می‌گوید: «ایجاد کافه کتاب ایده‌ای جمعی بود. در واقع با ایجاد این کافه می‌خواستیم فضا و زمانی را به اندیشه‌ها و دغدغه‌های بچه‌ها اختصاص بدهیم؛ جایی که در آن، علاوه بر کتاب، در مورد بقیه محصولات



واقعی می‌شویم که راه و روش انتخاب درست بین اندیشه‌ها را یاد بگیریم. اینجا قرار است درباره همه اندیشه‌ها صحبت کنیم و بعد یاد بگیریم که چرا می‌توان یک اندیشه را پذیرفت یا نپذیرفت. بچه‌ها باید یاد بگیرند که چرا یک اندیشه را انتخاب می‌کنند، چون در غیر این صورت ممکن است وقتی در مقابله با اندیشه دیگری قرار بگیرند، نتوانند از نظرات خود دفاع کنند.» خلاصه اینکه، جمع بچه‌ها در این کافه جور است. هر کس احساس کند موضوعی ذهنش را مشغول کرده است، دست دوستانش را می‌گیرد و با هم به کافه می‌روند. بعد هم در حین نوشیدن یک دم‌نوش، بحث می‌کنند. آن‌ها راهی را می‌روند که اندیشمندان بزرگ رفته‌اند؛ بحث و گفت‌وگوی منطقی، بدون دعوا و دلخوری!

-حالا این همه بحث و گفت‌وگو نتیجه‌ای هم داشته است؟

سافر: برای من که داشته. قبلاً خیلی سؤال درباره حقوق زنان داشتم و فکر می‌کردم شاید زنان نسبت به مردان توانایی‌های کمتری دارند و نباید بعضی از کارها را انجام دهند، اما الان متوجه شده‌ام بهتر است هر کدام براساس استعدادهایی که خداوند به آن‌ها داده است برخی کارها را انجام دهند. یا در مورد اینکه چرا زنان نمی‌توانند مرجع تقلید شوند، به این نتیجه رسیدیم که مهم‌تر از مرجع شدن، فقیه شدن است که آن هم زن و مرد نمی‌شناسد و حتی توصیه اسلام است که زن‌ها به مدارج بالای علمی برسند.

شاید بتوان گفت نتیجه مهم دیگر این بحث‌ها، راه و روش انتخاب اندیشه درست است. خانم کریمی در این باره می‌گوید: «ما زمانی خودمان اندیشمند

را بگویی و کسی هم از نظراتت ایراد نمی‌گیرد! ما اینجا بحث و نقد می‌کنیم، اما دعوا نمی‌کنیم.

-با این حساب، کافه کتاب فقط یک زنگ تفریح برای حرف زدن نیست!

فاطمه: نه. در کافه کتاب قرار است سؤال‌هایمان را بپرسیم، به اشتراک بگذاریم و به نتیجه برسیم. شاید بعضی‌ها فکر کنند حضور در کافه کتاب فقط یک زنگ تفریح است، اما برای من کاملاً جدی است.

آتنا: به نظر من کافه کتاب جایی برای لذت بردن و رسیدن به جواب سؤال‌هاست. موضوعاتی که ما درباره آن‌ها حرف می‌زنیم، کاملاً جدی هستند. مثلاً تا به حال راجع به حقوق زنان و جاودانگی بحث کرده‌ایم. یکی از سؤال‌هایی که همیشه دوست داشتم جواب آن را بدانم، این است که چرا دنیا این شکلی است؟ شاید بتوان در این باره هم در کافه بحث کرد.